

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۸، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۷۴-۵۳

بررسی رابطه قومیت و شکل‌گیری فضا و آداب و رسوم شهری در شهر گرمسار

زهره انواری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

چکیده

در پژوهش حاضر، از طریق مطالعه شهر گرمسار، به رابطه میان فضای شهری و عامل انسانی‌ای که فضاها را هم مصرف و هم بازتولید می‌کند، پرداخته شده است. به علت ویژگی خاص گرمسار که از همزیستی چند قوم در کنار هم طی چندین سال متممادی ایجاد شده، بیشتر توجه تحقیق به مسئله قومیت است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و گردآوری داده‌ها به روش اسنادی، مصاحبه کانونی و مصاحبه بوده است. داده‌های این تحقیق نشان می‌دهند که به طور کلی قومیت تأثیر معناداری بر شکل‌گیری محله‌های گرمسار ندارد و اقوام مختلف به صورت پراکنده در همه محله‌های شهر زندگی می‌کنند. مردم گرمسار در ذهنیتی که از شهر خود دارند، قومیت خود را دخالت نمی‌دهند و از شهرشان مفهومی یکپارچه در ذهن دارند. آن‌ها برای معرفی خود بیش از این‌که از قوم خود یاد کنند، از گرمساری بودن نام می‌برند. در عین حال هنوز مردم در انتخاب همسر و نماینده شورای شهر و دوست، عضوی از قوم خود را به دیگر اقوام ترجیح می‌دهند.

کلید واژگان: آداب و رسوم، فضای شهری، قومیت، گرمسار، محله

مقدمه و بیان مسئله

شهرنشینی امروز به نوع غالب شیوه زندگی در دنیا تبدیل شده است. اکثر افراد به علت وجود امکانات رفاهی و اجتماعی ترجیح می‌دهند در شهر زندگی کنند. به همین دلیل مهاجرت به شهر از جمله پدیده‌هایی است که شهرها با آن مواجه‌اند. بعضی شهرها نیز نتیجه مهاجرت و اسکان جمعیت‌های پراکنده هستند و ماهیت شهری خود را بعد از ساکن شدن اقوام و کوچروانی که نوع زندگی متفاوتی داشته‌اند، به دست آورده‌اند. در این نوع شهرها از یک سو باقی ماندن بعضی سنت‌های زندگی سابق، بر فرهنگ زندگی جدید (شهرنشینی) تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، سنت‌های پیشین از سبک زندگی جدید تأثیر می‌پذیرند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۵۱). تعدادی از شهرهای ایران به همین شیوه شکل گرفته‌اند. شهر-عشیره‌هایی که به رغم شکل فیزیکی شهر در واقع یک ایل غیرمتحرک به حساب می‌آیند و این امر را حتی تا اندازه‌ای به قالب‌های فضایی شهر نیز منتقل کرده‌اند، نمونه‌ای از این تأثیر و تأثرند. این پدیده‌ها را می‌توان عشیره‌ای شدن شهر نامید (همان). در چنین شهرهایی اهمیت خانواده و قوم، موجب می‌شود وابستگی یک قوم در مجاورت یک محدوده مکانی ساکن شوند و موجب منطقه‌بندی قومیتی شهر شوند. شهر ایلام نمونه خوبی از شهر-عشیره است که، بعد از حدود پنجاه سال از شکل‌گیری، هنوز می‌توان تجمع افراد متعلق به یک ایل را در محلات مختلف آن مشاهده کرد (مقصودی و انواری، ۱۳۹۰: ۱۶۱). علاوه بر فضای شهری و شکل‌گیری تجمعات قومی در محله‌های مختلف شهر، آداب و رسوم مانند ازدواج و طلاق و سیاست‌های شهری مانند انتخابات شورای شهر نیز در ایلام تحت تأثیر فرهنگ چند ایلی، که در این شهر یکجانشین شده‌اند، قرار دارد (همان).

از دیگر شهرهای ایران که محل تجمع اقوام مختلف است می‌توان به گرمسار اشاره کرد. با این تفاوت که از شکل‌گیری گرمسار سالیان زیادی می‌گذرد. اقوام مختلفی از جمله قوم کرد، عرب، اقوام ترک و مازندرانی‌ها از دوران صفویه تا دهه‌های اخیر و به دلایل مختلف از جمله کوچانده شدن، تبعید، جنگ و دیگر عوامل به این سرزمین آمده و در آن ماندگار شده‌اند. یکی از تفاوت‌های مهم گرمسار با ایلام در ارتباط این دو شهر با مفاهیم قبیله و قومیت است. در ایلام نظام حاکم بر شهر نظام قبیله‌ای است یعنی افراد خود را متعلق به سلسله‌مراتب قبیله‌ای یعنی طایفه و تیره می‌دانند. اما در گرمسار ما با مفهوم قومیت روبه‌رو هستیم. به این معنا که چند قوم (فارس، ترک، عرب و کرد) در کنار هم زندگی می‌کنند بدون این که هر کدام خود را متعلق به طایفه و تیره خاصی از آن قوم بدانند. در این تحقیق بیشترین تمرکز ما بر مفهوم قومیت است.

در نهایت گرمسار از دو جنبه مورد توجه ماست: اول این که تقریباً از همه اقوام ایرانی در آن ساکن‌اند و دوم این که این اقوام مدت زمان طولانی (بیشتر از چند سده) در کنار هم زندگی می‌کنند. در این مقاله ابتدا به نحوه شکل‌گیری و توسعه این شهر خواهیم پرداخت. سپس با توجه به نظریه وبر، تونیس و ویرث این موضوع را بررسی می‌کنیم که زندگی

چندین قوم در کنار هم و همزیستی آنان در طول زمان طولانی چه تأثیری بر شکل‌گیری فضای شهری، حس تعلق شهروندان به شهر و آداب و رسوم این شهر داشته است.

مرور تاریخی

شهر گرمسار که در قدیم به خوار^۱ یا خواری^۲ (مربوط به دوران قبل از اسلام و ایران باستان) معروف بوده است، سابقه تاریخی‌اش به قبل از اسلام و دوره مادها و پارت‌ها می‌رسد. در اوستا از خوار یاد شده و در کتیبه‌های آشوری نیز این ناحیه را خوارا و در جای دیگر آری خوانده‌اند و این منطقه بخش بزرگی بوده که دماوند و سواد کوه فعلی جزء آن بوده‌اند. این شهر پس از احداث راه آهن سراسری در زمان رضاخان در سال ۱۳۱۷ به گرمسار تغییر نام یافت، ولی سمنانی‌ها هنوز آن را به خوار می‌شناسند (شاه حسینی، ۱۳۸۲: ۳۶). شهر گرمسار در دوره‌های زمانی مختلف کاربری‌های مختلفی داشته است. این شهر محلی برای قشلاق، تبعیدگاه و محل تاخت‌وتاز مغول‌ها و ترکمن‌ها در زمان‌های مختلف بوده و همچنین به عنوان یکی از روستاها و دهات آباد شهر ری و محل قشلاق تجار مورد استفاده قرار می‌گرفته است (عمران زاده، ۱۳۷۸: ۱۰). مراحل توسعه شهر گرمسار در طول تاریخ را می‌توان به شش دوره تقسیم کرد:

مرحله اول: به صورت شکل‌گیری هسته‌های اولیه روستایی و اسکان دائم بعضی ایلات و اقوام گذشته بوده است. دشت گرمسار به علت حاصل‌خیز بودن و بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در افزایش جمعیت آن تأثیر گذاشته است و همین امر باعث شده ایلات و اقوام گذشته در این ناحیه سکنی گزینند و به کشاورزی در اطراف قنات‌ها، چشمه‌ها و رودخانه بپردازند.

مرحله دوم: راه‌های ارتباطی بین شرق و غرب ایران که یکی از قدیمی‌ترین راه‌های ارتباطی است از این شهر عبور می‌کرده است. این راه از بابل آغاز و پس از عبور از ناحیه ایران غربی و شهر ری از گرمسار عبور کرده و به شرق ایران ختم می‌شده است. این راه محل عبور تجار، اقوام مهاجر، سپاهیان و مهاجمان در طول تاریخ بوده است و به علت مناسب بودن آب و هوای این منطقه به عنوان اسکان مسافران انتخاب می‌شده است. به همین دلیل در این دوره گرمسار دارای موقعیت تجاری بوده و همین امر باعث افزایش جمعیت آن شده است. گرمسار یکی از دهات ری محسوب می‌شده که هنگام تبدیل شدن شهر ری به عنوان قطب اقتصادی و تجاری بر توسعه گرمسار تأثیر گذاشته است و به مرور این روستا تبدیل به منطقه‌ای مناسب برای قشلاق تجار و بازرگانان روستاها و شهرهای اطراف شده است. در همان هنگام بسیاری از افراد و ایلات مهم از شهرهای مختلف به گرمسار مهاجرت کرده و در آنجا سکنی گزیده‌اند. این دوره از مهمترین دوره‌های توسعه و

¹ Xar

² Xari

شکل‌گیری شهر محسوب می‌شود. در همین دوره گرمسار از حالت روستایی به شهر تبدیل شده و در آن بازار و کاروانسراها رشد یافته است.

مرحله سوم: مربوط به اوایل دوران قاجار و پایتخت شدن تهران است. با استقرار ایل اصائلو در گرمسار، جهت ایجاد امنیت پایتخت از حمله ترکمن‌ها، این ایل نیز به ساکنین مهم این شهر اضافه شده که تا زمان فعلی نیز جزء مهمترین ساکنین این شهر محسوب می‌شوند.

مرحله چهارم: در این دوره با خشکسالی‌های پی‌درپی و رشد منفی جمعیت در این شهر روبه رو می‌شویم. این عوامل باعث شده در این مرحله گرمسار تبدیل به تبعیدگاه شود. هنوز در شهر می‌توان از نسل تبعیدی‌های آن زمان افرادی را مشاهده کرد.

مرحله پنجم: از جمله مراحل مهم در توسعه گرمسار محسوب می‌شود که با احداث راه‌های آسفالتی و راه‌آهن همراه است. در این مرحله گرمسار از حالت متمرکز در کنار کاروانسراها و بازار و آب انبار، خارج شده و به صورت خطی در کنار مسیرهای ارتباطی اصلی شامل خیابان امام خمینی، خیابان محمد منتظری و خیابان آیت اله سعیدی توسعه می‌یابد. مرحله ششم: از اوایل دهه پنجاه به بعد را شامل می‌شود که در این دوره، توسعه شهر به صورت پراکنده بین بافت‌های قدیمی است. تغییرات مهمی که در توسعه شهر در این دوره مؤثر بوده شامل انقلاب اسلامی ایران، جنگ و مهاجرت مرزنشینان، افزایش نرخ رشد جمعیت در کشور و مهاجرت روستاییان به شهر در این دوره، واگذاری مسکن و اراضی به کارکنان دولت، احداث مراکز عالی و ایجاد اشتغال در بخش صنعتی و تمرکز خدمات در شهر است که در طول تحقیق تا حدی به آن خواهیم پرداخت (عمران زاده، ۱۳۷۸: ۸).

همان‌طور که در مراحل مختلف توسعه شهر گرمسار دیدیم، در طول تاریخ ایل‌ها و خاندان‌های مختلفی به گرمسار مهاجرت کرده‌اند و بعضی در گرمسار ماندگار شده‌اند و بعضی گرمسار را ترک کرده‌اند. بعضی باقی‌مانده و بعضی نسل‌شان منقرض شده و نامی از آن‌ها باقی نمانده است. بنابراین این امر در شکل‌گیری و توسعه شهر بسیار مؤثر بوده، به طوری که می‌توان به گرمسار لقب جزیره اقوام داد. برنارد هورکارد عضو انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، در کتاب خود با نام *کوچ و اقتصاد شبانی در دامنه‌های جنوب البرز* می‌نویسد، در دامنه‌های جنوبی البرز در شرق تهران بیست گروه عشایری از همه استان‌های ایران گرد آمده‌اند و از این لحاظ در کنار دروازه‌های پایتخت چکیده مردم‌شناسی تمامی کشور وجود دارد (هورکارد، ۱۳۶۲: ۲۶). اسامی ایل‌های مذکور به ترتیب از دوره صفویه عبارتند از:

- ایلات کرد که از قدیمی‌ترین ایلات ساکن شده در این منطقه هستند و در زمان شاه عباس اول از منطقه آذربایجان و مهاباد به این ناحیه آمده‌اند.
- ایل پازوکی^۱ در زمان صفویه از شهر ارومیه به خوار انتقال داده شده‌اند.

^۱ Pazuki

بررسی رابطه قومیت و شکل‌گیری فضا و آداب... ۵۷

- ایل اصانلو^۱ در زمان آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ ه.ق) از زنجان به این ناحیه کوچانده شده‌اند.
- ایل الیکائی^۲ که در زمان آقامحمدخان قاجار از الکای دماوند و به روایتی دیگر ۵۰۰ سال قبل از قاجارها به گرمسار آمده‌اند.
- ایل عرب از فارس به خوار کوچانده شده‌اند که مهمترین آن‌ها کوتی‌ها هستند.
- عشایر لر و هداوند^۳ که در زمان آقامحمدخان قاجار از فارس به این ناحیه کوچانده شده‌اند.
- ایل کرد در ۱۲۱۰ ه ق از بجنورد و قوچان به گرمسار کوچ کرده‌اند.
- ایل نفر^۴ از فارس که یکی از پنج ایل قدرتمند اتحادیه خمسه فارس (اینانلو، بهارلو، نفر، عرب و باصری) بوده‌اند که از زمان کوچاندن آن‌ها اطلاعی در دست نیست (شاه حسینی، ۱۳۸۲: ۲۶ و اسدی، ۱۳۷۸: ۵۰).

موقعیت اجتماعی و فرهنگی شهر گرمسار

مشخصات جمعیتی

طبق جدول ۱ تعداد ساکنان شهر گرمسار در سال ۱۳۸۵، ۳۹۵۲۳ بوده که نسبت به ده سال گذشته ۲۴٫۸ درصد افزایش داشته است. این میزان ۶٫۷ درصد از جمعیت استان سمنان و ۰٫۵ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد که بر این اساس میزان تراکم محاسبه شده شهر گرمسار ۲۸٫۷ است.

جدول ۱. مشخصات جمعیتی شهر گرمسار، مأخذ: مرکز آمار ایران

مشخصات جمعیتی	
۳۹۵۲۳	تعداد جمعیت سال ۱۳۸۵
۶٫۷	درصد نسبت به سمنان
۰٫۵	درصد نسبت به کشور
۲۴٫۸	درصد رشد در ۱۰ سال گذشته
۲۸٫۷	تراکم

میزان رشد جمعیت از سال ۱۳۴۵ به بعد، در جدول ۲ گزارش شده است که بر اساس آن بیشترین رشد جمعیت شهر گرمسار مربوط به سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ است که ۹٫۴۸ درصد گزارش شده است. این دهه همزمان با تغییرات اجتماعی و حوادث مهمی مانند انقلاب و جنگ در کشور بوده که به اجبار باعث افزایش جمعیت شده است. این افزایش و

¹ Osanlu

² Alikay

³ Hadavand

⁴ Nafar

رشد جمعیت همچنین مصادف با تغییر مناطق ایوانکی و آرادان از روستا به شهر است و تا قبل از ۱۳۵۵ تنها منطقه شهری شهرستان، گرمسار محسوب می‌شده، ولی چون شهر گرمسار از دو نقطه دیگر شهری مهم‌تر محسوب می‌شود نرخ رشد جمعیت آن از دو نقطه شهری دیگر بیشتر است.

جدول ۲. میزان رشد جمعیت از سال ۱۳۴۵ شهر گرمسار، مأخذ: مرکز آمار ایران

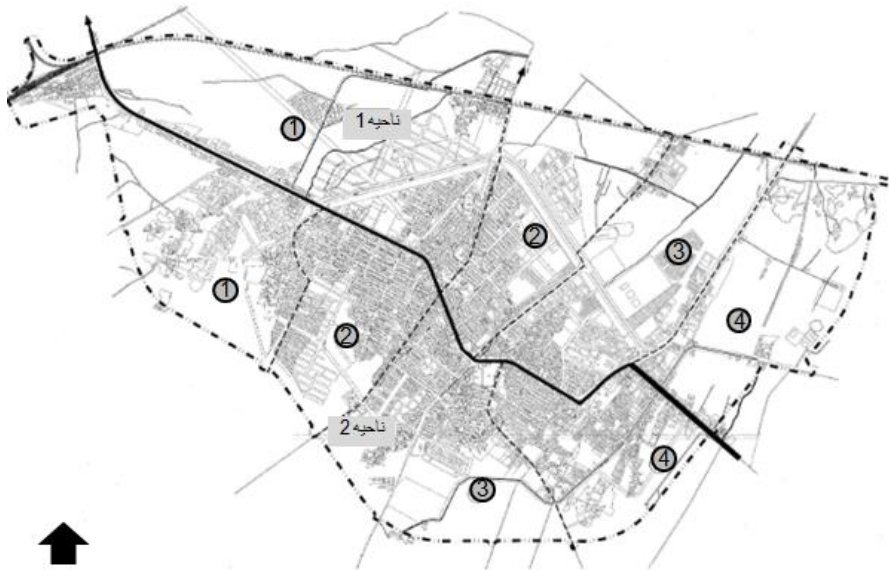
سال سرشماری	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کل شهرستان	۳۵۶۷۸	۴۳۳۵۸	۵۸۱۶۵	۶۷۸۴۷
شهر گرمسار	۴۷۲۳	۷۵۵۷	۱۸۶۸۷	۲۹۲۳۶
سهم گرمسار از جمعیت شهرستان	۱۰۰	۱۰۰	۶۳٫۸۶	۶۸٫۸۰

موقعیت جغرافیایی و اجتماعی محلات در شهر

شهر گرمسار را می‌توان با توجه به دو معیار موقعیت محورهای ارتباطی و خدماتی و ویژگی‌های فرهنگی مذهبی به محلات مختلف تقسیم کرد. این شهر از قدیم مسیر راه‌های کاروان رو بوده و در بستر اراضی کشاورزی دشت گرمسار قرار دارد. به لحاظ موقعیت ارتباطی و خدماتی مرکز خدمات تجاری روستاهای اطراف بوده است. بر اساس آخرین طرح هادی، محدوده خدماتی شهر متشکل از شهر گرمسار و تمام یا قسمتی از چند روستای اطراف شهر و واحدهای مسکونی اطراف ایستگاه راه آهن و اراضی کشاورزی بین آن‌هاست. بر این اساس شهر را می‌توان به دو شکل بافت اصلی شهر که در اطرافش چند بافت پراکنده روستایی و مجموعه‌های مسکونی پراکنده‌اند، مشاهده کرد. از هسته مرکزی شهر چند مسیر عمده ارتباطی از قدیم ارتباط بین شهر و روستاهای اطراف را تأمین می‌کرده که در حال حاضر این محورها نقش شبکه‌های داخلی شهر را نیز ایفا می‌کنند و نقش بسیار مهمی در تعریف محلات و تقسیمات کالبدی شهر دارند.

هر چند گذشت زمان و رشد و توسعه شهر اهمیت تقسیم‌بندی بر اساس فرهنگ افراد را کم کرده است، ولی هنوز می‌توان تفاوت فرهنگی را در محله‌های مختلف شهر را دید. شهر گرمسار از به هم پیوستن چند روستا تشکیل شده است و نام محلات در قدیم نیز از نام همان روستاها گرفته شده بوده است که شامل محله بازار، محله سیدآباد، محله آبدنک، محله خانی‌آباد و محله ساره‌زن بوده است. این محلات به علت رشد و گسترش شهر در حال حاضر دارای مفهوم کالبدی خاصی نیستند. در حال حاضر شهر به دو ناحیه بزرگ تقسیم می‌شود که هر کدام شامل ۴ محله هستند و در نتیجه دو ناحیه و هشت محله را در شهر می‌توان از هم تشخیص داد که به وسیله راه‌های ارتباطی و خیابان‌ها می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد (شکل ۱).

شکل ۱. نقشه کنونی شهر گرمسار: ناحیه یک شامل ۴ محله در نیمه شمالی و ناحیه دو با ۴ محله در نیمه جنوبی که با خیابان اصلی (شرقی - غربی با خط سیاه) و خیابان‌های فرعی (خط چین) از هم جدا شده‌اند، منبع: طرح تفصیلی جامع شهر گرمسار



تشریح گروه‌ها، جماعت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های شهری

شهر گرمسار همان‌طور که در بخش اول گفته شد از یک‌جانشینی طایفه‌های مختلف در زمان‌ها و دوره‌های مختلف به وجود آمده است. با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که در حال حاضر طوایف معروف در شهر گرمسار و فامیل‌های مربوط به هر کدام به شرح زیر است:

۱. ترک‌ها که خود از زیر شاخه‌های جداگانه تشکیل شده‌اند و معروف‌ترین آن‌ها ایل اصانلوست. فامیل‌های معروف که اصالتاً ترک محسوب می‌شوند عبارتند از: قباخلو، عمادی (کنشلو)، جورابلو، میرآخوری، خالقی، ترامشلو، رستمی، پازوکی، قزلو، پوردخانی، تنگرودی، زمانی، زندی، معصومی، داستانی، برات پور، میرآخورلو، چارپاشلو است.

۲. الیکائی‌ها که مانند ترک‌ها جزء طایفه‌های معروف گرمسار محسوب می‌شوند. فامیل‌های معروف متعلق به این ایل عبارتند از: قنبری، عاشوری، شاه‌حسینی، خالصی، محمدحسینی، احدی، گیلوری، نظری، کرمی، کریمی، ابولی، نمکی، ابوالی، ایزدبخش، علی‌بیگی، قندالی، باصری، ریکانی، قاسمی، کریمی، قندعلی، پوراکرمی

۳. طایفه لر که فامیل‌های معروف آن عبارتند از: محمدی، زندی، موحدیان، علیزاده، کاشی

۴. سمنانی‌ها که فامیل‌های معروف منتسب به آن عبارتند از: ایجی، شاه جویی، بخاریانی، عربی، جواهر کار، احسانی و کمالی
۵. کردها که قنبری زاده، تمیمی، علیزاده و مازوجی فامیل‌های معروف آن محسوب می‌شوند.
۶. عرب‌ها که شامل عرب سرهنگی، عرب درازی، عرب عامری، سنگسری، خابوری و حسینی می‌شوند.
۷. فامیل‌های متفرقه‌ای نیز در گرمسار زندگی می‌کنند که از شهرهای اطراف به این شهر مهاجرت کرده‌اند از جمله طباطبایی و طباطبایی‌فر که از زواره آمده‌اند، کشمیرها که گیلک هستند، قشقایی‌ها که از فارس آمده‌اند و عسگری و شهرابی که اهل نطنز اصفهان هستند.

چارچوب نظری

شهر قبل از هر چیز تجمعی از گروه‌های مختلف انسانی در گستره‌ای محدود است. فضایی صوری شامل عناصری از قبیل ساختمان‌ها، شبکه‌های حمل و نقل، خدمات شهری، نمادهای فرهنگی، مشاغل و مجموعه‌ی قوانین و هنجارها که با همکاری ساکنان، عابران، شاغلان، کارآفرینان، مردان سیاست ساخته و پرداخته شده است. شهر با مجموعه‌ای از فضاها و مکانی که از لحاظ اجتماعی و بر حسب شیوه زندگی و گروه‌بندی‌ها افتراق یافته، مکانی است که امکان گسترش شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۳). شهر را می‌توان همچنین به‌عنوان یک واقعیت بیرونی و دارای قدرت تام در نظر گرفت که خود را بر سایر واقعیت‌های اجتماعی تحمیل می‌کند. از سویی شهر چرخه‌ای است پویا و بسیار پیچیده، که به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دامن می‌زند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۵) و به سهم خود می‌تواند یک قالب فرهنگی باشد و به یک روحیه مبدل شود (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۱).

شکل‌گیری شهرها در اروپا و آسیا با هم متفاوت است. یکی از نظریه‌پردازانی که به این تفاوت شکل‌گیری معتقدند وبر است. از نظر وبر (۱۳۷۵) در اروپا شهر یک سازمان سیاسی محسوب می‌شود، اما شهر آسیایی به یک سازمان قومی شبیه است. وبر این ساختار قومی در شهر آسیایی را مانعی برای رشد و توسعه روابط شهری و شهر آسیایی می‌بیند. به طوری که این ساختار یا نظام، که می‌تواند دینی یا کلانی یا کاستی باشد، مانعی برای رسیدن به مفهوم شهروندی و توسعه آن محسوب می‌شود. از طرفی رابطه افراد در شهر-عشیره با زندگی قبلی است که قابل بحث است و همانطور که وبر معتقد است «شهروندان در شهر اروپایی از اصناف و بازرگانان تشکیل شده‌اند، ولی ساکنین شهر آسیایی اغلب زمین داران و یا رؤسای قبایلند که هنوز با روستا یا ایل خود در ارتباطند. بنابراین پیوند بین شهر و روستا و یا ایل از بین نرفته است» (ممتاز، ۱۳۷۳: ۱۱۲). تأکید وبر بر ایجاد جامعه مدنی است که در آن دموکراسی شکل می‌گیرد و او معتقد است به دلایل فوق این امر در شهر

آسیایی رخ نداده است. همچنین در بررسی نظام دیوانسالار شهر - عشیره باید به بررسی نظام قضایی پرداخت. و بر این عامل را نیز در تمایز شهر آسیایی با شهر اروپایی مطرح می‌کند که «در شهر آسیایی دستگاه قضایی حاکم بر امور شهروندان، قانون جزا و دادگاه‌هایی که اهالی شهر با استقلال کامل اعضای آن را برمی‌گزیدند، پدیدار نمی‌شود» (ویر، ۱۳۸۴: ۱۲۲). زیرا افراد نمی‌توانند بی‌طرفانه قضاوت کنند، در حالی که در درون ساختار و نظام خویشاوندی قرار دارند، و اگر بر خلاف نظر طایفه خود عمل کنند مورد بازخواست خانواده خود قرار گرفته و از خاندان خود طرد می‌شوند. بنابراین تفاوت مهم شهر اروپایی و شهر آسیایی از نظر ویر در شکل‌گیری مفهوم شهروندی است (ویر، ۱۳۷۵: ۱۲۲). شهروندی وضعیتی است که در آن به هر فرد جامعه حق داده می‌شود که بر روابط میان نظام دیوانی و اعضای جامعه نظارت کند. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها معین می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. با این که شهروندی اعتبار فرد را در جامعه مشخص می‌کند اما هم‌زمان بر بسترهای اجتماعی، که فرد در آن رفتار می‌کند، نیز تأکید دارد. کارکرد اصلی شهروندی اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند. حقوق و وظایف عناصر اصلی تشکیل دهنده شهروندی هستند که در آن هر فرد در رابطه‌ای دو جانبه قرار می‌گیرد. شهروند از یکسو دارای حقوقی است و از سوی دیگر وظیفه دارد حقوقی را رعایت کند. این حقوق و وظایف در ابعاد مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل شناسایی‌اند. در حکومت‌های دموکراتیک هر شهروند عضو برابر و کامل اجتماعی است که به او حقوق و مسئولیت‌هایی اعطا شده است. هم حکومت و هم شهروندان مسئول حمایت از این حقوق جهت ارتقاء منافع مشترک هستند. برقراری نظام شهروندی نیازمند منابعی برای شناخت و آگاهی و کسب تجارب و مهارت‌های فکری و مشارکتی و نیز نیازمند برخورداری از سطحی از رفاه نسبی است. اگر جامعه‌ای در ارائه منابع ضروری شکست بخورد و یا به نفع گروه‌هایی خاص عمل کند، شهروندی دچار نقصان می‌شود. پس افراد در هر جامعه نیازمند توانمندی از طریق مناسبات مختلف هستند که شرطی لازم برای تحقق شهروندی است. از جمله عناصر مهم شهروندی در یک جامعه تأمین نیازها و خواسته‌ها، آگاهی و آموزش، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی و سیاسی است (شیانی، ۱۳۸۱: ۷۷). هرچند مفهوم شهروندی، مانند آن چه در بالا گفته شد، در همه جا به وقوع نپیوسته است. ولی می‌توان از آن اصول اصلی شهروندی را استخراج کرد که بر حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مبتنی است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که شهروندی را می‌توان در جوامعی مشاهده کرد که در آن هویت افراد، نه بر اساس شبکه‌های قومی، بلکه بر محور ارزش‌ها و معیارهای عام تعیین شود. این نگرش به معنای رفع تفاوت‌ها نیست، بلکه شناخت و حمایت از تنوع‌ها با توجه به حقوق همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص مد نظر قرار می‌گیرد (شیانی، ۱۳۸۱: ۷۸). با این توصیف شهروندی مفهومی قابل بررسی در شهر-عشیره است، زیرا افراد

در یک ساختار قومی زندگی می‌کنند که در آن حتی بعد از آمدن به شهر رابطه با قوم قطع نشده است. و بر این ساختار قومی در شهر آسیایی را مانعی برای رشد و توسعه روابط شهری و شهر آسیایی می‌بیند. به طوری که این ساختار یا نظام که می‌تواند دینی یا قومی یا کاستی باشد مانعی برای رسیدن به مفهوم شهروندی و توسعه آن محسوب می‌شود. از طرفی در شهر-عشیره، رابطه شهرنشینان با زندگی پیشین خویش است که مسئله‌آفرین است. چنان که و بر معتقد است: «شهروندان در شهر اروپایی از اصناف و بازرگانان تشکیل شده‌اند، ولی ساکنین شهر آسیایی اغلب زمین‌داران و یا رؤسای قبایلند که هنوز با روستا یا ایل خود در ارتباطند. بنابراین پیوند بین شهر و روستا و یا ایل از بین نرفته است» (ممتاز، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

با وجود همه توصیفاتی که از مفهوم شهروندی شد، نش (۱۹۵۸) اشاره می‌کند که مفهوم شهروندی و دولت رفاه تعریف‌هایی است آرمان‌گرایانه و هیچ‌گاه به طور کامل به وقوع نپیوسته است. بر خلاف نظر و بر که ساختار قومی را مانعی بر سر راه توسعه شهر می‌داند، شهرهای آسیایی را می‌توان شهرهای در حال توسعه‌ای قلمداد کرد که به بیان تونیس در حال گذار از مرحله اجتماع یا گماینشافت (مبتنی بر روابط خونی) به جامعه یا گزلفاشت (مبتنی بر قرارداد) هستند (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۲؛ فکوهی، ۱۳۸۲: ۳۰۱؛ فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۵). بر اساس تعریف تونیس از شهر، می‌توان شهرها را، بر حسب این که در کدام مرحله از فرایند در حال گذار از اجتماع به جامعه قرار دارند، به انواع مختلف تقسیم کرد. از جمله شهرهای در حال توسعه، شهر-روستا و شهر-عشیره است که در طی این فرایند در حال گذار بین این دو مرحله قرار گرفته‌اند و به عبارتی هنوز به طور کامل از اجتماع فاصله نگرفته و به طور کامل وارد مرحله جامعه نشده‌اند. سبک زندگی در این نوع از شهرها متفاوت است و تحت تأثیر اجتماع قبلی و جامعه فعلی فرهنگ متفاوتی ایجاد کرده‌اند. در ایران با شهرهایی مواجه‌ایم که پیشینه روستایی و یا پیشینه ایلی دارند. همانطور که ابن خلدون اشاره می‌کند نظام حاکم بر ایل، عصبیت ناشی از پیوند نسبی (ازدواج) و صلۀ رحم و وابستگی خاندان‌ها به یکدیگر است. این عصبیت وقتی همه از یک خاندان و یک پشت و نیا باشند، به قبیله شکوه و نیرو می‌بخشد (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۶۷). جمعیت شهرهایی را که پیشینه ایلی دارند، ایل‌هایی تشکیل می‌دهند که در طی چند دهه اخیر اسکان یافته‌اند. در این شهر-عشیره‌ها که جمعیت آن‌ها را اعضای ایل‌های مختلف تشکیل می‌دهند با تعارضی روبرو می‌شویم که در نهایت باعث ایجاد گونه‌ی خاصی از شهر شده است که لزوماً با خصوصیت شهرهای مدرن هم‌خوانی ندارد. دو نظام مختلف که هرکدام قوانین خاص خود را دارند و در نتیجه فرهنگ‌های متمایز از هم ایجاد کرده‌اند؛ نظام خویشاوندی حاکم بر زندگی ایلی، و نظام دیوانسالار حاکم بر شهر است. در این نوع شهرها، افراد به صرف زندگی کردن در شهر، لزوماً رابطه خود را با قوم‌شان قطع نمی‌کنند. فرد از سویی دارای فرهنگ قومی خود و از سویی تحت تأثیر فضای شهری قرار دارد. فضایی که از نظر ویرث گسسته شدن پیوندهای خویشاوندی، کاهش اهمیت خانواده، از میان رفتن همسایگی و همبستگی‌های گروهی

سنتی، شرکت در سازمان‌های اداری، غیرفعال شدن فرد و غوطه‌ور شدن در جامعه توده‌وار از خصلت‌های آن است (ممتاز، ۱۳۷۳: ۱۴۳). در جامعه سنتی (روستایی یا عشیره‌ای)، به علت فشار گروه کوچک و سنت‌های آن فردیت از بین می‌رود، اما در جامعه شهری ویژگی‌های فردی در اثر فرهنگ توده‌وار از طریق رسانه‌های گروهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ضعیف می‌شود. فرد برای شرکت در این فرهنگ توده‌وار از نظر ویرث باید بخشی از فردیت خود را فراموش کند (همان: ۱۴۲).

در این تحقیق برای بررسی شهر گرمسار با توجه به ویژگی خاص آن یعنی همزیستی چندین قوم (شهر- عشیره) در طی زمانی طولانی است در قالب نظریات وبر، تونیس و ویرث چند شاخص اصلی را در نظر می‌گیریم. اول حس تعلق به قوم و میزان همبستگی قومی را بررسی می‌کنیم. برای دستیابی به آن ابتدا پراکندگی این اقوام در سطح شهر را بررسی خواهیم کرد. سپس میزان تمایل ازدواج با قوم خود یا دیگر اقوام را بررسی می‌کنیم. دوم حس تعلق به شهر را بررسی می‌کنیم. دو شاخص رأی دادن در انتخابات شورای شهر و دوست‌یابی، که از ویژگی شهر با تعریف ویرث است، مورد نظر ماست. علاوه بر این برای دستیابی به ذهنیت افراد در مورد هویت خود (متعلق به قوم یا متعلق به شهر) از آنان در مورد آداب و رسوم و تعریف شهر از نگاه آنان خواهیم پرسید.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- همزیستی اقوام مختلف چه تأثیری بر شکل‌گیری فضا و ایجاد نشانه‌ها و آداب و رسوم در شهر داشته و از طرفی هر یک از این اقوام در ذهن خود چگونه فضا و نشانه‌ها را معنا می‌کنند؟
- ۲- آیا با گذشت زمان هنوز مردم خود را متعلق به قومی که از آن برخاسته‌اند می‌دانند؟
- ۳- آیا محله‌های شهر بر اساس مدل قومی از هم قابل تفکیک‌اند؟
- ۴- در طی این سال‌ها و در مسیر توسعه شهر، در کنار فرهنگ قومی، چه عوامل دیگری بر شکل‌گیری فضای شهری و آداب و رسوم در گرمسار تأثیرگذار بوده است؟
- ۵- آیا در گرمسار کنونی می‌توان عنوان شهروند را، به معنایی که وبر تعریف می‌کند، به افراد داد؟
- ۶- یا بر اساس نظر تونیس شهر گرمسار در طی زمان در حال تبدیل شدن از اجتماع به جامعه است؟
- ۷- آیا بر اساس تعریف ویرث، فرد بخشی از فردیت خود را به دلیل زندگی در شهر فراموش کرده و خود را عضوی از شهر گرمسار می‌داند یا هنوز خود را متعلق به قوم خود دانسته و از آداب و رسوم قوم خود تبعیت می‌کند؟

روش‌شناسی

نمونه‌های تحقیق

دبیرستان‌های دولتی دخترانه شهر گرمسار به عنوان مکان تمرکز نمونه‌ها انتخاب شدند. شهر گرمسار دارای چهار دبیرستان دخترانه دولتی است که نوع پراکنش آن‌ها در شهر طوری است که تمامی شهر را در بر می‌گیرد. این مدارس روی یک خط شرقی غربی از شهر قرار گرفته و به تمامی نواحی شهر مشرف‌اند. در هر دبیرستان به طور تصادفی دو کلاس انتخاب شد که در نهایت ۱۲۰ نمونه (دانش آموز) مورد ارزیابی قرار گرفتند.

روش‌های انجام تحقیق

در این تحقیق از روش‌های اسنادی، مصاحبه کانونی و مصاحبه استفاده شده است. با استفاده از اسناد مربوط به تاریخ شهر گرمسار، آمار جمعیتی در چند دهه اخیر و طرح توسعه شهر گرمسار به معرفی تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و جمعیتی شهر گرمسار پرداختیم.

در این تحقیق چهار مصاحبه کانونی انجام شده است. از جمله کارهایی که در این مصاحبه‌های کانونی انجام شد با کمک فن ارزیابی روستایی مشارکتی (چامبرز^۱، ۱۹۹۴)، کشیدن نقشه و کروکی شهر گرمسار بر روی کاغذ پوستی بزرگ به دست این افراد و مشخص کردن محل زندگی خانواده خود و اقوام و بستگانشان بر روی نقشه بود. از این طریق پراکندگی هر قوم در شهر مشخص شد. همچنین از دانش‌آموزان خواسته شد درخت خویشاوندی مربوط به خود و خانواده‌شان را رسم کنند که شامل سه نسل پدر بزرگ و مادر بزرگ، پدر، مادر، خاله، دایی، عمو و عمه آن‌ها، و در نهایت خود فرد و خواهر و برادر او می‌شدند. از آن‌ها خواسته شد نام قوم خود و بستگان‌شان را بر روی درخت خویشاوندیشان مشخص کنند. به عنوان مثال مادر قوم الیکایی، پدر قوم ترک اصلو. بدین ترتیب نوع ازدواج درون قومی یا برون قومی مشخص شد. در مرحله بعد به دانش‌آموزان کارتهایی دادیم و از آن‌ها خواستیم بعد از بحث گروهی به سؤال‌های زیر بر روی کارت‌ها پاسخ دهند:

- نام خانوادگی و قوم خود را مشخص کنند. از این طریق متوجه شدیم که هر نام خانوادگی به چه قومی تعلق دارد.
- ترجیح می‌دهند با کدام یک از اقوام ازدواج کنند. هدف از این سؤال این است که آیا افراد هنوز به خویشاوندان و قوم خود وابسته‌اند یا ارتباط با دیگر اقوام را از طریق ازدواج امری رایج و طبیعی است.

^۱ Chambers

- ترجیح می‌دهند در انتخابات شورای شهر به کاندید کدام یک از اقوام رأی دهند؟
مطرح کردن این سؤال از این جهت اهمیت دارد که گرمساری‌ها برای انتخاب فردی در نظام سیاسی شهر از چه شاخص‌هایی استفاده می‌کنند؟ صلاحیت فردی یا تعلق به گروه قومی فرد؟ این سؤال می‌تواند میزان نهادینه شدن مفهوم شهروندی در میان افراد شهر گرمسار را تعیین کند. زیرا اگر افراد ترجیح دهند از قوم خود نامزدهای مورد نظر را انتخاب کنند نشان دهنده این است که هنوز قومیت در شهر تعیین کننده است و اگر نزد افراد قوم خاصی مهم نباشد و فقط صلاحیت افراد برایشان تعیین کننده باشد، نشان دهنده نهادینه شدن مفهوم شهروندی است. زیرا یک شهروند واقعی تنها قوم خودش را در تصمیمات گروهی و شهری مد نظر نمی‌گیرد، بلکه حقوق تمامی افراد برایش مهم است. در نتیجه از این سؤال می‌توان میزان سوگیری فرد به قوم خود یا تمایل به برقراری حقوق شهروندی و برقراری عدالت برای همه افراد شهر پی برد.

- ترجیح می‌دهند دوست خود را از کدام یک از اقوام انتخاب کنند. به طور کلی دوستان یک قدم از خویشان دورترند و معمولاً افراد حق انتخاب و یا حذف کردن دوستان خود را دارند. در حالی که افراد حق انتخاب قوم و یا حذف آن را ندارند. هدف از پرسیدن این سؤال این است که آیا افراد در شهر گرمسار هنوز خود را در بافت قومی خود تصور می‌کنند و حتی دوستان خود را از قوم خود برمی‌گزینند یا به میزانی از استقلال رسیده‌اند که حق انتخاب دوست از دیگر اقوام داشته باشند؟ در نهایت با دانش‌آموزان مصاحبه کردیم. ابتدا خواستیم خودشان را معرفی کنند. هدف از معرفی این است که ببینیم آیا فرد خودش را یک گرمساری معرفی می‌کند یا مثلاً ترک یا عرب؟ سپس از آنان خواستیم که تصور خود را نسبت به شهر گرمسار برای ما شرح دهند. از شهر گرمسار تعریفی ارائه کنند و بگویند چگونه شهر را به یک غریبه معرفی می‌کنند؟ در این تعریف به دنبال کشف نسبت فرد با شهر یا با قومش بودیم. آیا فرد گرمسار را به عنوان مکانی متعلق به همه اقوام می‌داند و یک تعریف کلی از شهر ارائه می‌دهد یا شهر را از دریچه قوم خود به دیگران معرفی می‌کند؟ در این تحقیق یکی از اهالی شهر گرمسار ما را همراهی می‌کرد که در یافته‌های تحقیق از او به عنوان اطلاع‌رسان یاد شده است.

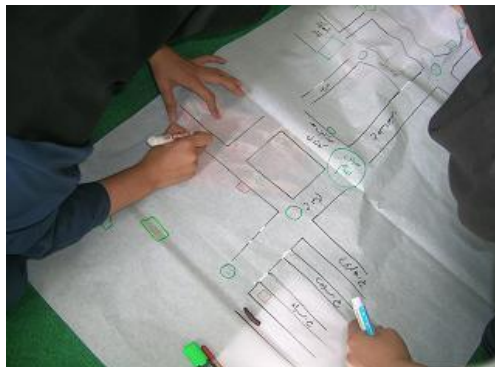
^۱ سن رأی‌دهندگان در انتخابات شورای شهر طبق تبصره ۳ ماده ۳ اساسنامه از تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۹۸ از ۱۵ سالگی به ۱۸ سالگی تغییر کرده است.

یافته‌های تحقیق

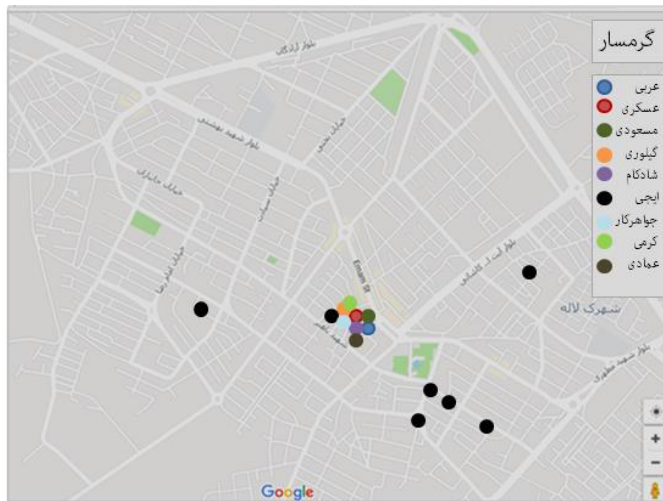
پراکندگی اقوام در شهر

رسم نقشه اجتماعی شهر توسط پاسخگویان و مشخص کردن محل سکونت خود و افراد فامیل خود بر آن نقشه و در نهایت منتقل کردن همه فامیلی‌ها بر یک نقشه اجتماعی، پراکندگی این طایفه‌ها در شهر گرمسار را میسر کرد (شکل ۲). نتایج نشان داد که نمی‌توان برای هر طایفه منطقه خاصی از شهر را در نظر گرفت و یا به عبارتی فامیل‌های مربوط به هر طایفه در نقاط مختلف شهر پراکنده‌اند و نمی‌توان چیدمان خاصی از نظر قومی در شهر مشاهده کرد. به عنوان مثال در کوچه‌های منتهی به خیابان مبارزان فامیل‌های عربی، عسکری، مسعودی، گیلوری، شادکام، ایچی، جواهرکار، کرمی، عمادی را می‌توان مشاهده کرد که به ترتیب متعلق به اقوام سمنانی، قشقایی، الیکایی، ترک هستند. از طرفی به عنوان مثال اگر فامیل ایچی که متعلق به فامیل سمنانی‌ها است را در نظر بگیریم می‌توان بر نقشه اجتماعی شهر محل سکونت این فامیل را به صورت پراکنده دید (شکل ۳).

شکل ۲. مشخص کردن محل سکونت افراد خانواده بر نقشه شهر توسط دانش‌آموزان



شکل ۳. بازسازی نقشه اجتماعی شهر گرمسار، منبع: داده‌های میدانی



ازدواج

اطلاعات به دست آمده از درخت خویشاوندی هر فرد مربوط به سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، پدر و مادر و خود فرد است که بیشترین اطلاعات از نسل دوم یا نسل پدر و مادر نمونه‌ها به دست آمده است.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از درخت خویشاوندی ترکیبات و انواع مختلف ازدواج درون قومی و برون قومی مشخص شد که به شرح زیر است:

جدول ۳: انواع ترکیب ازدواج بین قومی

درصد	تعداد	ترکیب قومی
۱۱,۸۱	۱۳	فارس+فارس
۲۴,۵۴	۲۷	الیکایی+الیکایی
۱۹,۰۹	۲۱	ترک+ترک
۳,۶۳	۴	سمنانی+سمنانی
۱,۸۱	۲	کرد+کرد
۰,۹	۱	فارس+سمنانی
۴,۵۴	۵	فارس+ترک
۱,۸۱	۲	عرب+ترک
۶,۳۶	۷	الیکایی+ترک
۲,۷۲	۳	فارس+الیکایی
۰,۹	۱	گیلک+ترک
۰,۹	۱	عرب+فارس
۰,۹	۱	کرد+سمنانی
۰,۹	۱	سمنانی+الیکایی
۱۹,۰۹	۲۱	متفرقه
۱۰۰	۱۱۰	جمع

در جدول ۳ ترکیبات ازدواج هر یک اقوام با خود و دیگر اقوام بررسی شده است. منظور از گزینه متفرقه در جدول ۳ ترکیب خانواده‌هایی است که از شهرهای دیگر مانند یزد، تهران و غیره به طور پراکنده وارد گرمسار شده‌اند.

در میان ترکیبات فوق ازدواج الیکایی+الیکایی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است (۲۴,۵۴ درصد) و بعد از آن ازدواج ترک+ترک (۱۹,۰۹ درصد) بیشترین تعداد را دارد. از این نتایج و همچنین از تعداد فامیلی‌های هر قوم می‌توان نتیجه گرفت دو قوم الیکایی و ترک بیشترین تعداد را در گرمسار به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به ترکیب اقوام و ازدواج‌های بین قومی مختلفی که در فوق مشاهده می‌کنید، نمی‌توان گفت که یک قوم به صورت کاملاً مستقل و درون‌گروه باقی مانده است. همانطور که می‌بینید مبادلات

زناشویی بین همه اقوام وجود داشته است ولی از درصد گروه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که الیکایی‌ها نسبت به بقیه اقوام درون‌همسرترند و همچنین الیکایی‌ها نسبت به ترک‌ها (به عنوان دومین قوم از لحاظ تعداد) در مبادلات درون‌همسری خود از تنوع کمتری برخوردارند. این در حالی است که ترک‌ها در مبادله زناشویی با اقوام دیگر دارای تنوع بیشتری هستند. از سویی همانطور که مشاهده می‌شود ترکیب قوم ترک با اقوام دیگر بیشتر از ترکیب الیکایی با اقوام دیگر در جدول فوق دیده می‌شود. البته این نکته هم قابل توجه است که قوم ترک در گرمسار دارای زیر شاخه‌های متعددی است که هر کدام ریشه در قسمتی از ایران دارد. مثلاً ترک اصانلو از زنجان در زمان آقامحمدخان قاجار وارد گرمسار شده و بقیه هم اصالت متفاوتی دارند، که در این تحقیق برای سادگی طبقه‌بندی همه آنها به ترک خوانده می‌شوند و چون در میان پاسخ‌گویان تفاوت‌گذاری بین انواع زیر شاخه‌های ترک وجود نداشت، ما نیز از در نظر گرفتن این تمایزات چشم‌پوشی کردیم.

جدول ۴: بررسی میزان تمایل به ازدواج، رأی دادن و انتخاب دوست با قوم خود و دیگر اقوام

هیچکدام	فرقی ندارد	ترک	الیکایی	قوم	
۱	۵	-	۱۴	الیکایی	ازدواج
۲	۱۱	۱۳	-	ترک	
۴	۱۷	-	-	متفرقه	
-	۸	۴	۱۲	الیکایی	انتخابات
۱	۱۱	۱۴	۳	ترک	
۳	۲۲	-	-	متفرقه	
-	۱۴	۳	۳	الیکایی	دوستی
۱	۷	۱۴	-	ترک	
۴	۱۸	-	-	متفرقه	

ردیف اول جدول ۴ به مقایسه ترجیح ازدواج بین اقوام پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد در میان نمونه‌ها ۱۴ الیکایی ترجیح می‌دادند فقط با الیکایی‌ها ازدواج کنند که از این میان ۴ نمونه اصلاً حاضر نبودند با ترک‌ها ازدواج کنند و برای ۵ نمونه هم فرقی نداشت که با کدام قوم ازدواج کنند و ۱ نمونه عرب‌ها را به عنوان ترجیح ازدواج بعد از الیکایی‌ها در نظر می‌گرفت. در میان ترک‌ها نیز ۱۳ نفر اولویت ازدواج را به ترک‌ها می‌دادند و برای ۱۱ نفر از آنها فرقی نداشت که با کدام قوم ازدواج کنند و یک نفر اولویت اول خود را به فارس‌ها داده است. بنابراین می‌توان چنین تحلیل کرد که میزان تمایل به ازدواج درون‌قومی بین الیکایی‌ها و ترک‌ها تقریباً یکسان است، ولی در ازدواج برون‌قومی ترجیح انتخاب قوم‌های متعدد و تنوع انتخاب در میان ترک‌ها بیشتر از الیکایی‌ها دیده می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در میان اقوام دیگر که یا تعداد آنها کمتر است، مانند لرها و کردها و عرب‌ها، و یا ترکیباتی که خالص نیستند مانند ترکیب الیکایی-ترک یا

سمنانی-گرمساری و غیره گزینه "فرقی نمی‌کند" برای ترجیح ازدواج بیشتر تکرار شده است که تعداد این افراد ۱۷ نفر است. در سؤال مربوط به ترجیح ازدواج ۷ نفر از گزینه "هیچکدام" استفاده کردند که حاضر به ازدواج با هیچکدام از اقوام در گرمسار نبودند که از این ۷ نفر، ۴ نفر خود جزء اقوام گرمسار نبودند.

انتخاب افراد در انتخابات شورای شهر

هر چند حساسیت نسبت به انتخاب یک کاندید از قوم خاص نسبت به ازدواج کمتر دیده است، اما می‌توان سوگیری قومی را هنگام انتخابات شوراها در گرمسار مشاهده کرد. ۱۲ نفر از الیکایی‌ها ترجیح می‌دهند اول به یک الیکایی رأی دهند و برای ۸ نفر از آن‌ها فرقی نمی‌کند که کاندید مورد نظرشان از چه قومی باشد و فقط صلاحیت فرد مورد نظر برای آن‌ها مهم است و ۴ نفر از آن‌ها هم ترک‌ها را به عنوان گزینه دوم بعد از الیکایی‌ها انتخاب می‌کنند و ۲ نفر هم بعد از الیکایی‌ها به عرب‌ها رأی می‌دهند. در میان ترک‌ها ۱۴ نفر ترجیح می‌دهند فقط کاندید مورد نظرشان ترک باشد و ۳ نفر در درجه بعد از ترک‌ها به الیکایی‌ها رأی می‌دهند و برای ۱۱ گرمساری ترک هم فرقی نمی‌کند که کاندید مورد نظرش از چه قوم و قبیله‌ای باشد. در گروه‌های متفرقه (سمنانی، سبزواری، مشهدی و غیره) ساکن گرمسار نیز برای ۲۲ نفر فرقی نمی‌کند که کاندید شورای شهر از چه قومی باشد. و جالب اینکه هیچ‌کدام از این گروه‌های متفرقه قوم خاصی را برای انتخاب کاندید خود ترجیح نمی‌دهند.

دوست‌یابی

در نمونه‌های مورد نظر حساسیت قومی برای انتخاب دوست نسبت به موارد ازدواج و انتخابات خیلی کمتر دیده شد، به طوری که ۱۴ الیکایی گزینه "فرقی نمی‌کند" را انتخاب کردند و ۵ الیکایی ترجیح می‌دادند که در درجه اول دوست الیکایی داشته باشند و ۳ الیکایی نیز ترک‌ها را برای دوستی ترجیح می‌دادند. در میان ترک‌ها سوگیری قومی بیشتری برای انتخاب دوست نسبت به الیکایی‌ها وجود داشت، به طوری که ۱۴ نمونه ترک اول ترجیح می‌دادند با یک ترک دوستی کنند و برای ۷ نفر هم فرقی نداشت که با چه قومی دوست باشند. ولی هیچکدام از نمونه‌های ترک یک الیکایی را به عنوان انتخاب اول خود در نظر نگرفته بودند. برای گروه‌های متفرقه نیز تقریباً فرقی نداشت که دوست‌شان از کدام یک از اقوام باشد به طوری که ۱۸ نفر از آن‌ها این گزینه را انتخاب کردند و ۴ نفر نیز گزینه "هیچکدام" را برای ترجیح دوستی برگزیده بودند (جدول ۴).

در مجموع با مقایسه ترجیح هر یک از اقوام برای ازدواج، رأی دادن در انتخابات شوراها و دوستی با دیگر اقوام نشان در جدول ۴ نشان می‌دهد که به ترتیب ازدواج نسبت به انتخابات و انتخابات نسبت به دوستی از اهمیت بیشتری برای مخاطبان برخوردار بود، به طوری که گزینه "فرقی نمی‌کند" برای ترجیح دوستی، نسبت به انتخابات و ازدواج از تعداد قابل توجه

تری برخوردار بود و بین دو ترجیح انتخابات و ازدواج، گزینه "فرقی نمی‌کند" برای انتخابات بیشتر از ازدواج به کار رفته است. اهمیت ازدواج و انتخابات بین اقوام نشان دهنده وجود سوگیری قومی بین اقوام در گرمسار است. در میان اقوام فوق در گرمسار الیکایی‌ها بیشتر از بقیه ترجیح می‌دهند با قوم خود ازدواج کنند و به کاندید الیکایی رأی بدهند. آن‌ها از جمله «اصلاً با بقیه اقوام (مخصوصاً با ترک‌ها) ازدواج نمی‌کنیم» بیشتر از بقیه استفاده می‌کردند. تفاوت نتایج جدول ۳ و ۴ در این است که در جدول ۳ ما با واقعیت روبرو هستیم و ازدواج‌هایی را بررسی می‌کنیم که اتفاق افتاده است. در حالی که جدول ۴ جدولی است که بر اساس ذهنیت افراد شکل گرفته و دیدگاه فعلی آن‌ها را نسبت به وضعیت نشان می‌دهد. با مقایسه این دو جدول می‌توان سوگیری قومی در گرمسار بین اقوام مختلف چه در ذهن افراد و چه در واقعیت مشاهده کرد و به این نکته رسید که در فرایند گذشت زمان سوگیری قومی تعدیل نشده و هنوز در گرمسار با آن روبرو هستیم.

تشریح فضا و کالدهای شهری

شهر گرمسار شهری است که باید آن را شهر-عشیره نامید. زیرا در این شهر از یک سو می‌توان فضاهای شهری را مشاهده کرد و بر اساس تقسیمات کشوری که در آن جمعیت ملاک اصلی برای تقسیم بندی و تمایز شهر از عشیره است، گرمسار شهر محسوب می‌شود. از سویی دیگر چون گرمسار از تجمع چند قوم شکل گرفته است، هنوز خصوصیت عشیره‌ای خود را حفظ کرده است. در گرمسار تقریباً همه یکدیگر را می‌شناسند و فضای خصوصی از فضای عمومی خیلی از هم قابل تمایز نیست. در خیابان وقتی با اطلاع رسانی از اهالی شهر در حال راه رفتن بودیم همه او را می‌شناختند و برعکس. وقتی در یک مغازه با مشکل خرد کردن چک پول روبرو شدیم، مغازه‌دار فامیل دوست اطلاع‌رسان ما را پرسید و چون فامیلی قابل اعتمادی داشت، مغازه‌دار پول ما را خرد کرد. در گرمسار یک خبر در عرض چند دقیقه به گوش همه می‌رسد و همه با خبر می‌شوند:

*اگر این طرف شهر باشی و در مورد مسئله‌ای با کسی صحبت کنی
مطمئن باش که کمتر از یک ساعت آن طرف شهر از حرف‌هایی که
زده‌ای باخبرند (اطلاع‌رسان).*

بنابراین خصوصیت ناشناس بودن افراد در فضای عمومی که از خصوصیات فضای شهری است تا حدودی در گرمسار دیده نمی‌شود و هویت افراد ایجاد نوعی کنترل اجتماعی بر آنان می‌کند.

تأثیر قومیت بر آداب و رسوم شهر گرمسار

انتظار می‌رود حضور اقوام مختلف با آداب و رسوم مختلف در شهر نشانه‌های مختلفی ایجاد کند. با گذشت زمان این آداب در هم ادغام شده و تنها در جزئیات اندکی با هم متفاوت‌اند.

به عنوان مثال نوعی غذا با نام ته‌چین گوشت که مخصوص شهر گرمسار است، و همه از آن به عنوان تفاوت این نوع غذا با دیگر شهرها یاد می‌کنند، متعلق به ترک‌ها بوده ولی در حال حاضر غذای همه گرمساری‌ها محسوب می‌شود. بنابراین ادغام آداب و رسوم بعد از گذشت چند سال زندگی این اقوام در کنار هم، آن‌ها را به مردمی با فرهنگ مشابه تبدیل کرده است. در عین حال تنها تفاوت قابل مشاهده بین این اقوام زبان قومی آن‌هاست.

اهالی گرمسار به زبان فارسی سخن می‌گویند و در مکالمات روزمره از زبان فارسی به عنوان زبان رسمی سیاسی همه ایران استفاده می‌کنند. ولی چون اکثر افراد در گرمسار مهاجران و یا تبعیدی‌های زمان گذشته‌اند به زبان قومی خود نیز آشنایی دارند. گرچه امروزه این اقوام در اثر آمیزش با یکدیگر رفته‌رفته زبان قومی خود را تا حدودی فراموش می‌کنند یا آن را با زبان‌های دیگر آمیخته‌اند. زبان اصلی گرمساری‌ها فارسی با لهجهٔ محلی رایج رازی است که با اندکی تفاوت نواحی اطراف تهران، ری، شمیران و ورامین بدان تکلم می‌کنند. زبان‌های رایج دیگر در گرمسار زبان آذری است. افراد ایل اصائلو و پازوکی بدان تکلم می‌کنند و به غلط اهالی گرمسار از آن به ترکی یاد می‌کنند، در حالی که زبان افراد قوم اصائلو شبیه زبان اهالی زنجان موطن اصلی آن‌ها و زبان ایل پازوکی زبان آذری متداول در بین ساکنان آذربایجان است. اما پازوکی‌ها در حال حاضر زبان آذری خود را رها کرده و به فارسی و لهجهٔ محلی رازی صحبت می‌کنند. افراد ایل ایلکیایی نیز به زبان مخصوص خود، که رشته‌ای از زبان تاتی یا طبری آمیخته با لهجهٔ مردم جبال است و شباهت زیادی با زبان مردم دماوند دارد، صحبت می‌کنند. کردهای شادلو نیز زبان کردی خود را در طول زمان فراموش کرده‌اند. زبان ایل عرب کتی، با توجه به مهاجرت آن‌ها از حوالی خوزستان به شیراز و از آن جا به گرمسار، نوعی زبان فارسی است که با عربی آمیخته است. مهاجران سمنانی نیز به زبان محلی خود سخن می‌گویند. دیگر گروه‌های کوچکی که از نواحی مرکزی ایران از جمله نطنز و اردستان و زواره به گرمسار آمده‌اند با زبان محلی آن نواحی آشنایی دارند، ولی نسل امروز این اقوام تقریباً با زبان محلی وطن خود بیگانه‌اند. تعدادی از خانوارهایی که اهل فیروزکوه، سیمین‌دشت، زرین‌دشت و روستاهای این منطقه که چند سالی است در گرمسار ساکن هستند، ولی هنوز ارتباط خود را با این مناطق قطع نکرده‌اند، با زبان محلی خود که ریشهٔ طبری دارد آشنایی کامل دارند و گاه در مکالمات روزمره خود با آن زبان صحبت می‌کنند (اسدی، ۱۳۷۸: ۳۵).

نمونه‌های ما در پاسخ به این سؤال که گرمسار را برای یک غریبه چگونه توصیف می‌کنید، اینگونه پاسخ دادند:

شهری با آب و هوای گرم و خشک و کویری، دارای مردمی خونگرم و میهمان‌نواز، شهری قدیمی و تاریخی، شهر گرمسار جایی به اسم آب‌نما و پارک جنگلی دارد که مراکز تفریحی شهرند، بنه‌کوه جایی نزدیک شهر گرمسار است که می‌توانید برای تفریح به آن جا بروید، شهر گرمسار شهری است که جاده ابریشم از آن عبور می‌کرده و رودخانه

حبله رود از کنار آن می‌گذرد، شهری دارای طوایف و اقوام مختلف که در کنار هم زندگی می‌کنند، شهری با چهره‌های ماندگاری مانند دکتر طباطبایی، دکتر کردوانی و...، شهری دارای دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور، شهری ساکت و آرام، شهری بدون امکانات تفریحی، شهر آفتاب تابان، شهری کوچک که همه هم‌دیگر را می‌شناسند و یک خبر در عرض چند دقیقه در شهر می‌پیچد و همه با خبر می‌شوند و مردم در کار یکدیگر زیاد کنجکاو می‌کنند، شهری با درختان اکالیپتوس (نمونه‌های تحقیق)

بنابراین می‌توان گرمسار را شهری در نظر گرفت که هنوز خصوصیت قومی-قبیله‌ای خود را تا حدودی حفظ کرده است، ولی به دلیل زمان طولانی که از همزیستی اقوام مختلف در کنار هم و ایجاد ارتباط بین‌فرهنگی دچار تغییرات عمده‌ای از جمله از بین رفتن برخی آداب و رسوم خاص یک قوم و یک‌دست شدن فرهنگ اقوام با یکدیگر شده است. به طوری که نمونه‌ها از اقوام مختلف، تعریف یکسانی از شهر دارند و نمادها و نشانه‌های شهری از دید همه آن‌ها شبیه هم است. با این‌که در بعضی موارد مثل ازدواج و انتخاب کاندید سوگیری قومی در میان افراد مورد مصاحبه وجود داشت، ولی هیچکدام گرمسار را از آن قوم خود تصور نمی‌کردند. در ذهن همه آن‌ها گرمسار یک شهر یک‌پارچه با خصوصیات مشترک است و هیچ‌گونه خط‌کشی برای جدا کردن شهر بین اقوام یا تعلق آن به قوم خود وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

شهر گرمسار از جمله شهرهای نزدیک به شهر تهران است که سابقه تاریخی آن به زمان باستان می‌رسد و محلی است که در طول سالیان طولانی محل عبور کاروانیان زیادی بوده و غرب ایران را به شرق ایران وصل می‌کرده است. این شهر که در دامنه کوه‌های البرز و بر حاشیه کویر قرار گرفته، محل تجمع اقوام ایرانی است به طوری که می‌توان آن را جزیره اقوام ایرانی فرض کرد. هر کدام از این اقوام به علت خاص خود در دوره‌های متفاوت به این سرزمین کوچانده شده‌اند. آداب و رسوم و زبان این اقوام با یکدیگر متفاوت است، اما با زیستن در کنار هم و دادوستدهای فرهنگی و خویشاوندی هم اکنون آداب و رسوم گرمساری‌ها با هم درآمیخته و به سوی یک‌دست شدن می‌رود. از این‌رو گرمسار را می‌توان شهری در حال توسعه برشمرد که عوامل متفاوتی بر توسعه این شهر تأثیرگذارند. در گذشته گرمسار از اسکان چند ایل تشکیل شده است. وجود فرهنگ و ویژگی‌های عشیره‌ای، از جمله عدم تمایز فضای عمومی از فضای خصوصی، همچنان از ویژگی‌های بارز این شهر محسوب می‌شود. اما با ورود گرمسار به مرحله شهر شدن و با افزایش جمعیت، کارکردهای شهری مانند کارکردهای خدماتی، حمل و نقل، آموزش و بهداشت ایجاد شده است. بنابراین این دو ویژگی در گرمسار فضایی نامشخص و بینابینی ایجاد کرده که بر اساس آن می‌توان گرمسار را شهری در حال توسعه دانست و در این چارچوب آن را مورد تحلیل و بررسی قرار

داد. بنابراین با این‌که طبق تعریف وبر منشأ شکل‌گیری گرمسار به شهر آسیایی شبیه است، اما به مرور زمان طبق تعریف تونیس از شکل اجتماع به شکل جامعه در حال توسعه است. در این تحقیق به روابط خویشاوندی و قومی از منظرهای چون ازدواج، دوستی و رأی دادن به کاندیدهای شورای شهر نیز پرداختیم. نتایج نشان داد که هرچند ممنوعیت‌های ازدواج برون‌قومی که در گذشته وجود داشته هم اکنون وجود ندارد، اما هنوز می‌توان بین مردم شهر گرمسار ترجیح قومی را مشاهده کرد. این ترجیح درباره رأی به کاندید شورای شهر و انتخاب دوست نیز قابل توجه است، اما با وجود آن مردم شهر گرمسار را از آن یک قوم خاص ندانسته و در ذهن همه آن‌ها گرمسار از آن همه این اقوام است و خودی و غیرخودی نزد آن‌ها گرمساری و غیرگرمساری است. بنابراین طبق تعریف ویرث، شهروندان از فردیت خود تا حد زیادی دست کشیده‌اند و بیشتر از آن‌که خود را متعلق به قومی که از آن برخاسته‌اند بدانند، خود را متعلق به شهر می‌دانند. همچنین اقوام مختلف به صورت پراکنده در شهر زندگی می‌کنند و نمی‌توان محل خاصی از شهر را متعلق به قوم خاصی نسبت داد.

مقایسه گرمسار و ایلام (مقصودی و انواری، ۱۳۹۰: ۱) نیز نشان می‌دهد که گذشت زمان از تأثیر قومیت بر فضای شهری و آداب و رسوم حاکم بر شهر می‌کاهد. در ایلام، که شهری بسیار جوان‌تر از گرمسار است، فضای شهری کاملاً بر اساس قومیت از هم تفکیک شده است. افراد هنوز خود را، بیشتر از آن‌که ایلامی بدانند، از آن ایلی می‌دانند که به آن تعلق دارند. ازدواج و رأی دادن بسیار تحت تأثیر قومیت است. در حالی که در گرمسار همانطور که دیدیم تأثیر قومیت رو به کمرنگ‌تر شدن است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که گذشت زمان و تأثیر نظام حاکم بر شهر، شهروندان یک شهر را که ریشه قومی متفاوتی دارند، از فردیت خود دور خواهد کرد.

منابع

- اسدی، نوش آذر (۱۳۷۸). گرمسار سرزمین خورشید درخشان، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۳)، *جامعه‌ایلی در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۸۲)، *کوچندگان سرزمین خورشید درخشان*، تهران: نقش بیان.
- شیبانی، ملیحه (۱۳۸۱)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۳.
- عاشوری، اسماعیل (۱۳۸۵)، *گرمسار در گذر تاریخ و نامداران*، سمنان: انتشارات کوشک.
- فکوهی ناصر (۱۳۸۲)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی شهر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر آگه.
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی شهر*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- مقصودی، منیژه؛ انواری، زهره (۱۳۹۰)، «ابطال یک‌جانشینی و نظام خویشاوندی»، *مجله علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی*، صص ۱۸۶ - ۱۶۱.
- مهندسین مشاور عمران زاوه (۱۳۷۸)، *طرح توسعه و عمران (جامع) شهر گرمسار*، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و عمرانی.
- نش، کیت (۱۹۵۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- وبر، ماکس (۱۳۷۵)، *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هورکارد، برنارد (۱۳۶۲). «کوچ و اقتصاد شبانی در دامنه‌های جنوبی البرز»، در *آگاه: ویژه‌ایلات و عشایر*، تهران: آگاه
- Chambers, Robert (1994), "The origine and practice of Participatory Rural Appraisal", *World Development*, 22(7): 953-969.